

شب برکت و معنویت

ماه مبارک رمضان تنها پرهیز از محرمات، روزه‌داری و روزه‌گشایی نیست؛ در این ماه رخدادهای برجسته و مهمی اتفاق افتاده که اهمیت آن را افزون‌تر می‌سازد: نزول قرآن بر قلب پیامبر(ص)، شهادت حضرت علی(ع) و شب قدر.



قدر & 171# در گفت‌وگو با دکتر سیدیحیی یثربی شب برکت و معنویت

ماه مبارک رمضان تنها پرهیز از محرمات، روزه‌داری و روزه‌گشایی نیست؛ در این ماه رخدادهای برجسته و مهمی اتفاق افتاده که اهمیت آن را افزون‌تر می‌سازد؛ نزول قرآن بر قلب پیامبر(ص)، شهادت حضرت علی(ع) و شب قدر. در واقع نزول قرآن و شهادت امام- به روایتی- در شب قدر رخ داده است. از سوی دیگر، در دو سوره قرآن بر فرزندگی و خجستگی چنین شبی تأکید فراوان شده است؛ سوره قدر و سوره دخان. جالب اینجاست که در هر دو سوره به والایی و برتری این شب بر دیگر شب‌های سال و همچنین برکت‌زایی آن اشاره شده است. به همین خاطر، عده‌ای از مفسران و پژوهشگران، با نگاه به رخدادهای و مفهوم‌هایی که برای شب قدر برشمرده‌اند، آن را شب تعیین سرنوشت هستی و انسان از جانب خداوند قلمداد کرده‌اند. اگرچه خداوند همواره در کار جهان و انسان است اما در این شب از یک سو با نزول قرآن و از سوی دیگر با سرازیر کردن برکات و نعمت‌های خود در راستای تلاش انسان، دخالت خود را برجسته‌تر می‌سازد. به هر حال، از مجموع روایت‌های به‌جا مانده از این شب می‌توان به قدر و ارزش بیشتر آن بر دیگر شب‌ها پی برد. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگویی با دکتر سید یحیی یثربی- استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی و نویسنده -درباره حقیقت و قدر & 171#؛ شب قدر» از منظری عقلانی و با نگاه به آیات قرآن است.

شب قدر در فرهنگ اسلامی از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است. مهم‌ترین و والاترین ارزش آن به نزول قرآن در این شب فرخنده بازمی‌گردد. به نظر شما چه معنایی را می‌توان حول این شب سراغ گرفت؟
شب قدر مفهومی است برگرفته از قرآن کریم؛ مثلاً در سوره قدر آمده است که شب قدر از هزار ماه (حدود 83 سال) برتر و بهتر است البته بیان هزار ماه در این آیه شریفه، ناظر به کثرت است. مقصود از این بیان، تأکید بر اهمیت چنین شبی است. بی‌تردید، این شب، شب بابرکتی است که سرشار از معنویت است؛ اما اینکه در این شب تدبیر حوادث جهان نیز تنظیم می‌شود، اکثر مفسران بر آن همداستان هستند. در سوره قدر آمده است: تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر. در واقع از واژه & 171#؛ قدر» و & 171#؛ من کل امر» چنین استنباط کرده‌اند که چگونگی رویدادهای و سرنوشت انسان‌ها در این شب خجسته تعیین می‌شود. در سوره دخان، آیه‌های 3 و 4 هم به چنین مضمونی اشاره شده است البته بدون آنکه از واژه & 171#؛ قدر» نام برده شود. در این آیه‌ها اشاره شده که قرآن در شبی نازل شده که با برکت بوده و کارها در آن سامان می‌یابد. بنابر این، همین مضمون (تعیین حوادث عالم) در این آیات (سوره دخان) خیلی رساتر از سوره قدر بیان شده است. روایت‌های گوناگونی اعم از صحیح، ضعیف و نادرست هم داریم که همه و همه به اهمیت این شب اشاره داشته‌اند.

نزول قرآن و حلول ماه رمضان چه نسبتی با این شب فرخنده دارد؟
شب قدر- بنا به آیات و روایات- شبی سرشار از لطف و رحمت خداوند است؛ بی‌شک قرآن یکی از نمونه‌های بارز این لطف و رحمت است. درواقع دست وحی به سوی انسان دراز می‌شود تا به وی یاری رساند. نزول وحی برای آن است که خداوند به فریاد بشر برسد. برخلاف این برداشت عامیانه که در همه ادیان جا افتاده است که انگار وحی می‌آید تا بشر به فریاد خداوند برسد، باید گفت، اصل وحی برای رهایی انسان است. در واقع دست وحی به سوی بشر دراز می‌شود تا مشکل وی را حل و دنیا و آخرت وی را روشن کند و او را به سوی خوشبختی این جهانی و آن جهانی رهنمون سازد. بنابر این بسیار طبیعی است که نزول قرآن یکی از برکت‌های برجسته و بی‌نظیر شب قدر باشد.

آیا می‌توان زمان خاصی را برای این شب در نظر گرفت و یا آنکه در تعیین آن اختلاف زیادی وجود دارد و بنابر این نمی‌توان شب ویژه‌ای را در نظر آورد؟

اکثر علما و مفسران شب قدر را در رمضان دانسته‌اند البته عده‌ای دیگر، در شب‌های دیگر سال هم آن را احتمال داده‌اند اما از آنجا که دو آیه- یکی درباره نزول قرآن و دیگری درباره شب قدر- وجود دارد می‌توان چنین برداشت کرد که در شب قدر قرآن بر سینه مبارک پیامبر(ص) نازل شده است. بنابراین شب قدر با نزول قرآن همراه است. از آن طرف هم در سوره بقره داریم که & 171#؛ ما قرآن را در ماه رمضان نازل کردیم». اگر این دو سوره (بقره و قدر) را کنار هم بگذاریم خیلی راحت به این نتیجه می‌رسیم که شب قدر در ماه

مبارک رمضان است و بنابر این بعثت و نزول قرآن هم در این ماه مبارک صورت گرفته است. اینکه عده‌ای گفته‌اند ابتدا قرآن به آسمان اول آمده است، بیشتر مبتنی بر روایاتی است که با توجه به این آیات چندان محل اعتنا نیستند. اصلاً معنا ندارد که قرآن ابتدا به آسمان اول بیاید و آنگاه از آنجا به تدریج فرود آید. قرآن از همان مبدأ وحی به تدریج نازل شده و برای یکجا نازل شدن آن دلالی در دست هست که من آنها را قبول ندارم. با توجه به آیه سوره بقره می‌توان گفت که نزول یکباره قرآن به آسمان دنیا درست نیست بلکه قرآن به طور مستقیم در شب قدر یعنی یکی از شب‌های رمضان بر دل مبارک پیامبر(ص) نازل شده است.

اگر شب قدر در ماه رمضان است، کدامیک از شب‌هاست؟

البته درست است که در تعیین این شب در ماه مبارک رمضان اختلاف وجود دارد اما واقع امر این است که به طور قطع نمی‌توان این شب فرخنده را تعیین کرد. از اول تا آخر ماه رمضان روایت‌هایی در تعیین این شب در دست داریم البته درخصوص نیمه دوم ماه رمضان تا آخر آن، به‌ویژه در شب‌های فرد، روایت‌های بیشتری وجود دارد. در شب‌های فرد هم شب‌های 21، 23 و 27 اتفاق نظر بیشتری نسبت به آنها وجود دارد. با این حال به‌طور محکم نمی‌توان در این باره صحبت کرد.

با توجه به اینکه ضربت خوردن و شهادت حضرت علی(ع) در چنین شبی بوده است، چه ارتباطی میان برکات معنوی این شب با شهادت حضرت وجود دارد؟

البته نمی‌توان گفت که ایشان در شب قدر به شهادت رسیدند. امام در شب 21 رمضان به شهادت رسیدند که یکی از احتمالات در مورد شب قدر است. کما اینکه عده‌ای هم احتمال داده‌اند که این شب در 23 یا 25 یا 27 رمضان است. به هر صورت، با توجه به آنکه قدر شب رحمت و برکت است، شاید دعای حضرت علی(ع) مستجاب شده که در چنین شبی شهید از دنیا بروند، در حالی که تکلیف‌شان را در برابر خداوند انجام داده‌اند. از دنیا رفتن حضرت برای جامعه بشری به ویژه مسلمانان آسیب و مشکل بزرگی بود. با این حال، ارتباط شهادت حضرت با این شب‌ها، بر معنویت آنها می‌افزاید. در واقع داغداران آن حضرت و غم سنگینی که از شهادت مولا بر دل‌های مردم نشسته به آنها(مردم) کمک می‌کند تا در چنین شبی(قدر) حال بهتری داشته باشند. از این رو، مردم می‌توانند با توسل به معنویت مولا شب قدر را بهتر دریابند. نکته‌ای که باید در اینجا ذکر کنم این است که روایت‌های زیادی در خصوص شب قدر وجود دارد که من نمی‌خواهم در اینجا وارد آنها شوم. بی‌تردید هر یک از این روایات، جنبه‌ای از ابعاد معنوی این شب را آشکار می‌سازند.

واژه قدر را به معنای اندازه‌گیری و تعیین تقدیر(انسان) و همچنین ارزش دانسته‌اند. به نظر شما کدامیک از این معانی را با توجه به نکاتی که برای این شب شریف برشمردید، می‌توان برای آن در نظر گرفت؟
به نظر من هیچ یک از دو معنایی که درخصوص شب‌قدر به آنها اشاره کردید، منافاتی با یکدیگر ندارند، بنابراین هر دو معنا را می‌توان برای این شب در نظر گرفت. وقتی قرآن کریم می‌فرماید: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَايِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ﴾ بر تقدیر و دخالت خداوند در تعیین سرنوشت جهان و هستی اشاره دارد. در سوره دخان هم به این نکته اشاره شده است.

مگر خداوند همواره و همیشه در کار جهان و انسان دخالت ندارد؟ شاید دخالت خداوند در این شب از نوع دیگری است. نظر شما چیست؟

نکته ظریف و در عین حال مهمی است که من در اینجا ابتدا می‌گویم با یک مثال آن را روشن سازم. فرض کنید که فردی شب‌قدر را پیدا کرد و نسبت به آن اطمینان یافت. خب در چنین شبی قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ اولاً یکی از استنباط‌ها از دو سوره قدر و دخان می‌تواند این باشد که خداوند در سرنوشت و کار جهان و انسان دخالت می‌کند. استنباط دیگر این است که خداوند در چنین شبی اساس سعادت جهان را تعیین می‌کند که همان هدایت تشریعی یا وحی است. خداوند در این شب یک برنامه عملی برای ما ابلاغ می‌کند که اگر مطابق با آن رفتار کنیم، خوشبخت هستیم. پس درک شب قدر به این معناست که ما معنویت و تقوایی پیدا کنیم که به واسطه آن بتوانیم قرآن را در زندگی خود جاری سازیم. جاری ساختن قرآن در زندگانی این نیست که قرآن را در چاپ‌های نفیس چاپ کنیم یا آن را با آواز خوش بخوانیم. جاری ساختن قرآن در زندگی به معنای عمل دقیق به آن است؛ مثلاً در همین ماه رضایی که همه اطلاع داریم عده‌ای از برادران دینی ما در کشور خود ما و جهان از گرسنگی می‌میرند، آیا هیچ‌گاه شده است که سیره‌علی(ع) را در زندگی الگو قرار دهیم؟ بی‌تردید بسیاری از ما مومنانی هستیم که نماز و دعايمان قضا نمی‌شود و همواره به قرائت قرآن مصر هستیم اما آیا به روش زندگی حضرت در توجه به مستمندان توجه می‌کنیم؟ آیا ما هیچ‌گاه به یاد حضرت محمد(ص) می‌افتیم که به گفته علی(ع) شکمش گرسنه‌تر از دیگران بود؟ یا در نظر آورید وقتی را که حضرت فاطمه(س) پارچه‌ای رنگ و رو رفته را جلوی در خانه خود آویزان کرده بودند تا مبادا داخل خانه دیده شود. پیامبر(ص) همین را هم نپذیرفتند. در همان زمان صدها نفر پرده‌ای را جلوی خانه خود آویخته بودند؛ اما دختر پیامبر نمی‌بایست پارچه‌ای می‌داشت تا آن را جلوی در خانه‌اش بیاویزد. مهم این است که ما به این سیره‌ها و روش زندگانی عمل کنیم. اگر این کار را بکنیم، سعادتمند و خوشبخت خواهیم بود اما اگر به دلخواه خودمان بخوریم، بنوشیم و... این را نمی‌توان شب‌قدر نامید.

شب‌قدر عمل به قرآنی است که عامل نجات ماست. با این حال من منکر این نیستم که خداوند در سرنوشت‌ها دخل و تصرف می‌کند.

گرچه توجیه اینگونه مسائل با فلسفه ابن‌سینا و قوانین علیت و علم ازلی خداوند و ... کمی دشوار است اما اگر از این بحث‌های فلسفی درگذریم، می‌توان گفت که خداوند در کار عالم در این شب دخل و تصرف دارد. با این حال خداوند با حساب و کتاب کار می‌کند و همینطور به بهانه شب‌قدر مثلاً یکی را از صفر به نهایت پیشرفت نمی‌رساند. خداوند بر همه مهربان است. اگر هم خداوند در شب قدر به غیر از وحی، نعمت‌هایی به بشر ارزانی می‌کند، همه و همه از روی محاسبه است. به این معنا که کسانی به این نعمت‌ها می‌رسند و از آنها سهم می‌برند که درست زندگی کرده باشند. این قبیل افراد، فرصت‌ها را از دست نمی‌دهند اما اگر مردم جامعه‌ای از روی جهل یا هر علت دیگری، فرصت‌های خدادادی را بسوزانند و در راه تعالی و تکامل جامعه گام برندارند، نباید هم انتظار داشته باشند که خداوند در یک شب همه مشکلات آنها را حل کند. خداوند نعمت را به تلاش می‌دهد.

یعنی تعبیر#171؛ از تو حرکت از خدا برکت» در این شب بیشتر نمود دارد؟

دقیقا! در واقع اگر بخواهم از تعبیر شما استفاده کنم باید بگویم که برکت شب قدر برای اهل حرکت است. در شب قدر برکت هست اما برای اهل حرکت؛ مثلاً اگر ما تلاش کنیم تا تولید در جامعه‌مان بیشتر شود و اشتغال‌زایی صورت گیرد، خداوند هم در چنین شب‌هایی دست ما را می‌گیرد تا در این زمینه پیشرفت کنیم اما اگر برعکس باوجود تمام امکانات روز به روز در جامعه تولید متزلزل و دلالی و رانت‌خواری رایج شود، شب قدر از خداوند چه می‌خواهیم؟ بنابراین خداوند در درجه اول با هدایت تشریعی خود که وحی و نازل کردن قرآن است، بزرگ‌ترین دخالت را در چنین شبی در تعیین سرنوشت جهان و انسان صورت داده. دخالت دیگر خداوند در چنین شبی تغییر سرنوشت انسان است. همانگونه که اشاره شد، این تغییر در راستای تلاش و حرکت خود انسان است. مثلاً اینگونه نیست که در طول سال از هوی و هوس‌های خود پیروی کنیم و آنگاه در شب قدر افطاریه بدهیم و مداحی دعوت کنیم تا نمی‌به چشمانمان بیاورد و ببینیم که خداوند ما را در صف اول سعادتمندان قرار داده است. نه اینگونه نیست. برکت‌ها حاصل حرکت‌هاست.